



دفن

دفن در لغت به معنای به خاک سپردن **مرده**، **پنهان کردن** چیزی در زیر **خاک** و مانند آن است. دفن در اصطلاح عبارت است از در خاک نهادن **مرده**؛ بدین گونه که **گودالی** در **زمین**، **حفر** کرده و **مرده** را در آن جای دهند و **رویش** را **بپوشانند**؛ لیکن معنای لغوی آن **اعم** است.

فهرست مندرجات

- ۱ - دفن به معنای اول (اعم)
- ۱.۱ - احکام دفن به معنای اعم
- ۱.۲ - کیفیت دفن میت
- ۱.۲.۱ - آداب دفن میت
- ۱.۲.۲ - مستحبات دفن میت
- ۱.۲.۳ - مکروهات دفن میت
- ۱.۴ - زمان دفن میت
- ۱.۵ - مکان دفن میت
- ۱.۶ - متولی دفن میت
- ۲ - دفن به معنای دوم (اخص)
- ۲.۱ - احکام دفن به معنای اخص
- ۳ - پانویس
- ۴ - منبع

دفن به معنای اول (اعم)

جایگاه اصلی دفن به معنای نخست (به خاک سپردن **مرده**)، **باب طهارت** است، لیکن به مناسبت، در باب‌های دیگری نظیر **جهاد** و **تجارت** نیز آمده است.

← احکام دفن به معنای اعم

- (۱) دفن کردن میت **مسلمان** با کیفیت خاص، **واجب کفایتی** است. **اجزای** جدا شده از بدن میت حتی **ناخن** و **دندان‌های** او نیز مشمول حکم یاد شده‌اند. [۱] [۲] [۳]
- (۲) دفن کردن **کافر**، **واجب** نیست؛ بلکه برخی، آن را **جایز** ندانسته‌اند. [۴] [۵] [۶]
- (۳) **کودکان** و **دیوانگان** در حکم دفن **تابع والدین** خود هستند بنابراین، با **مسلمان** بودن یکی از والدین، دفن **فرزند** نا **بالغ** یا **دیوانه** وی، **واجب** خواهد بود. [۷]
- (۴) در دفن، **قصد قرابت** شرط نیست؛ از این رو، اگر **کودکی**، **میتنی** را به گونه صحیح دفن نماید **کفایت** می‌کند. [۸]
- (۵) اگر در **جنگ** و در میان **کشتگان**، **مسلمان** از **کافر** بازشناخته نشود بنا بر قول برخی، آن که **آلت تناسلی‌اش** کوچک تر است دفن می‌گردد. برخی گفته‌اند؛ آن که **قرعه** به نامش درآمد دفن می‌شود.
- بعضی دیگر، دفن همه کشته‌ها را به **احتیاط**، **واجب** دانسته‌اند. [۹]
- (۶) **رزمنده‌ای** که در **معرکه** به **شهادت** رسیده با **لباسش** دفن می‌گردد، مگر **کفش‌ها** و **پوستین** و بنا بر قول برخی، **عرفچین**، **شلوار**، **عمامه** و **کمربند** که از تنش درآورده می‌شوند.
- در این حکم، بنا بر مشهور، فرقی بین **خون آلود** بودن یا نبودن لباس‌ها نیست. [۱۰]
- (۷) **نبش قبر** جز در مواردی که **استثنا** شده **حرام** است. [۱۱]
- هزینه** دفن همچون هزینه‌های تهیه **قبر**، **اجرت قبرکن** و **حمل** کننده **جنازه** از **اصل** **ترکه** برداشته می‌شود. [۱۲] [۱۳]
- (۸) سزاوار است **مؤمن** در حال **حیات**، مکانی را برای **قبر** خود تهیه کند و در آن **قرآن** بخواند. **اهدای** زمین برای دفن **مؤمنان**، **مستحب** است؛ چنان که **مباشرت** در **کندن** **قبر** **مؤمن**، **استحباب** دارد. [۱۴]
- بنا بر قول **مشهور** گرفتن **اجرت** بر دفن، **جایز** نیست. [۱۵] [۱۶]

← کیفیت دفن میت

- (۱) **واجب** است **مرده** به گونه‌ای دفن گردد که **بوی** بد آن مردم را **ادبیت** نکند؛ **بدن** نیز از **گزند** **درندگان** محفوظ باشد. [۱۷] [۱۸]
- (۲) اگر دفن میت در **زمین**، ممکن نباشد **واجب** است به هر صورت ممکن، **جسد** را **پنهان** سازند، مانند آنکه آن را در **بنا** یا **تابوتی** نهاده و اطراف آن را **ببندند** یا اگر در **کشتی** **مرده** و رساندن **جسد** به **خشکی** امکان پذیر نیست، پس از **تجهیز** (**غسل** و **کفن** و **نماز**)، با **بستن** چیزی **سنگین** به پای وی، او را به **دریا** افکنند. [۱۹] [۲۰]
- (۳) بنا بر قول **مشهور**، **واجب** است **مرده** را در **قبر** بر **پهلوی راست**، رو به **قبلة** دفن کنند. [۲۱] [۲۲]
- برخی **قدما** قائل به **استحباب** آن شده‌اند. [۲۳]
- (۴) اگر **زن** **کافر** **باردار** همراه **جنین** درون **رحمش** **بمیرد** در صورتی که **بارداریش** از **مرد** **مسلمان** باشد، باید او را در **قبر** به **پهلوی چپ**، پشت به **قبلة** بخوابانند، به

گونه‌ای که روی جنین به سمت قبله قرار گیرد. [۲۴]
۵) در جایی که بیم بیرون آوردن جسد از سوی درندگان می‌رود، محکم ساختن قبر، واجب است؛ چنان که در فرض انداختن جسد به دریا واجب است جایی انتخاب گردد که به محض افکندن، طعمه حیوانات دریایی نگردد، هرچند در دراز مدت ممکن است چنین شود. [۲۵]

← آداب دفن میت

آدابی که در دفن میت وارد شده به قرار زیر است:

← مستحبات دفن میت

- امور زیر از مستحبات دفن به شمار می‌روند:
- ۱- قرار دادن جنازه در چند ذراعی قبر و په تدریج در سه مرحله نزدیک قبر بردن.
 - ۲- وارد کردن میت مرد از سمت سر و میت زن از سمت عرض در قبر.
 - ۳- خواندن دعاهای وارد شده هنگام داخل کردن میت در قبر.
 - ۴- بازکردن گره‌های کفن از طرف سر و پاها.
 - ۵- گذاشتن صورت میت بر خاک و تلقین او.
 - ۶- قرار دادن مقداری تربت حضرت سید الشهدا علیه السلام همراه میت در قبر.
 - ۷- طهارت داشتن و برهنه بودن سر و پای کسی که میت را در قبر می‌گذارد.
 - ۸- داخل شدن و بیرون آمدن کسی که میت را در قبر می‌گذارد از طرف پای میت.
 - ۹- ریختن خاک در سه مرحله با پشت دست توسط حاضران غیر خویشاوند با میت پس از گذاشتن سنگ لحد.
 - ۱۰- پاشیدن آب بر قبر از طرف سر تا پا و سپس گرداگرد آن تا جانب سر و پاشیدن مازاد آن بر میانه‌ی قبر.
 - ۱۱- گذاشتن دست با انگشتان باز روی قبر و فشار دادن آن در خاک، به گونه‌ای که اثر آن بر قبر بماند.
 - ۱۲- طلب آمرزش برای میت و خواندن هفت بار سوره قدر و دعای وارد شده.
 - ۱۳- تلقین دوباره ی میت توسط ولی پس از بازگشت حاضران.
 - ۱۴- تسلی دادن به بازماندگان.
 - ۱۵- خواندن دو رکعت نماز پس از بازگشت از مراسم تدفین. [۲۶] [۲۷]

← مکروهات دفن میت

- ۱- دفن کردن دو میت در یک قبر، جز در حال ضرورت. [۲۸]
- ۲- ریختن خاک بر قبر توسط خویشان میت. [۲۹]
- ۳- داخل شدن پدر در قبر فرزند خود. [۳۰]

← زمان دفن میت

شتاب کردن در دفن میت، مستحب است، مگر آنکه مرگش معلوم نباشد که در این صورت تا حصول علم به مرگ، واجب است دفن به تأخیر بیفتد. [۳۱]
تأخیر در دفن میت در صورتی که هتک او به شمار رود، جایز نیست؛ [۳۲] لیکن اگر میت، باردار و جنین در رحم او زنده، و حفظ حیات جنین متوقف بر دفن نکردن مادر باشد، تأخیر در دفن او واجب است. [۳۳]

← مکان دفن میت

دفن کردن مسلمان در جایی که هتک او به شمار می‌رود، مانند مزبله و نیز در مکان غصبی و زمین وقف شده برای غیر دفن، مانند مسجد و مدرسه، حرام است.
دفن کردن مسلمان در گورستان کفار، همچنین عکس آن، جایز نیست. [۳۴]
جا به جایی میت از شهری که فوت کرده به شهری دیگر مکروه است، مگر مشاهده مشرفه که منتقل کردن به آن جا مستحب است؛ [۳۵] لیکن پس از دفن، انتقال به غیر مشاهده مشرفه جایز نیست.
در جواز نقل به مشاهده مشرفه پس از دفن، اختلاف است. عدم جواز به مشهور نسبت داده شده است. [۳۶]

← متولی دفن میت

ولی میت، اختیار دار دفن او است، بدین معنا که نسبت به تجهیز میت، بر دیگران اولویت داد. مراد از ولی میت؛ کسی است که در ارث بردن از او بر دیگران مقدم است، مگر شوهر که در هر حال نسبت به همسرش بر دیگران اولویت دارد.
در اینکه مراد از اولویت، عدم جواز پیشی گرفتن دیگران بر ولی بدون اذن او است یا تنها عدم جواز ایجاد مزاحمت برای ولی در صورت اقدام وی به تجهیز میت، اختلاف است.
بنابر قول اول، جواز اقدام دیگران به دفن، منوط به اذن ولی است. [۳۷] [۳۸] [۳۹]

دفن به معنای دوم (اخص)

از دفن به معنای دوم در باب‌هایی نظیر طهارت، حج و حدود سخن گفته‌اند.

← احکام دفن به معنای اخص

- ۱) دفن کردن مو، ناخن، دندان و خون انسان زنده، مستحب است. [۴۰]
- ۲) بنابر مشهور، بر حاجی مستحب است پس از حلق یا تقصیر در مینی، موهای خود را در همان جا دفن کند. [۴۱] [۴۲] [۴۳]
- ۳) بنابر مشهور، جهت رحم، واجب است مرد را تا کمر و زن را تا سینه در زمین دفن کنند.

۱. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۸۹-۲۹۰. ❏
۲. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۲. ❏
۳. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۷. ❏
۴. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۱۳۲-۱۳۳. ❏
۵. ↑ مستمسک العروة، ج ۴، ص ۶۸. ❏
۶. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۵. ❏
۷. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۲۱. ❏
۸. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۴. ❏
۹. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۱۳۲-۱۳۴. ❏
۱۰. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۷۱-۲۷۴. ❏
۱۱. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۵۳-۲۶۰. ❏
۱۲. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۷. ❏
۱۳. ↑ التنقيح (الطهارة)، ج ۸، ص ۳۹۹-۴۰۱. ❏
۱۴. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۴۱. ❏
۱۵. ↑ الحدائق الناضرة، ج ۱۸، ص ۲۱۱. ❏
۱۶. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۲، ص ۱۱۶. ❏
۱۷. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۹۰-۲۹۱. ❏
۱۸. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۲-۱۱۳. ❏
۱۹. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۹۱-۲۹۵. ❏
۲۰. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۲-۱۱۴. ❏
۲۱. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۹۶-۲۹۷. ❏
۲۲. ↑ جامع المدارك، ج ۱، ص ۱۴۸. ❏
۲۳. ↑ الوسيلة، ص ۶۸. ❏
۲۴. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۹۷-۲۹۹. ❏
۲۵. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۴-۱۱۵. ❏
۲۶. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۳۲۲-۳۲۹. ❏
۲۷. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۸-۱۲۶. ❏
۲۸. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۳۴۱. ❏
۲۹. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۳۳۴. ❏
۳۰. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۲۷. ❏
۳۱. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۲۲-۲۳. ❏
۳۲. ↑ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۲۵۱. ❏
۳۳. ↑ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۲۵۵. ❏
۳۴. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۱۱۵-۱۱۶. ❏
۳۵. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۳۴۳. ❏
۳۶. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۳۶۰. ❏
۳۷. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۳۱. ❏
۳۸. ↑ التنقيح (الطهارة)، ج ۸، ص ۶۱. ❏
۳۹. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۴۷. ❏
۴۰. ↑ كشف الغطاء، ج ۲، ص ۴۱۹. ❏
۴۱. ↑ جواهر الكلام، ج ۱۹، ص ۲۲۳-۲۴۴. ❏
۴۲. ↑ مناسك حج (مراجع)، ص ۴۲۷، ۴۲۳، ۱۱۳۳. ❏
۴۳. ↑ مناسك حج (مراجع)، ص ۴۴۰، ۴۴۱، ۱۱۷۱. ❏

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليهم السلام، ج ۳، ص ۶۳۹ تا ۶۴۳. ❏

رده‌های این صفحه : فقه | احکام اموات